

شناسایی عناصر معرفتی مؤثر بر بازسازی اخلاقی در تجربه توبه با رویکرد تحلیل محتوایی

۱. لیلا کرمی: گروه حقوق خانواده، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. مجتبی صدیقی‌نیا: گروه فلسفه سیاسی اسلامی، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: l.karami89@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی عناصر معرفتی مؤثر بر بازسازی اخلاقی در تجربه توبه با استفاده از رویکرد تحلیل محتوایی است. این پژوهش به روش کیفی و با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی انجام شد. مشارکت کنندگان شامل ۲۴ فرد بزرگسال ساکن تهران بودند که تجربه‌ای عمیق و تأمل‌برانگیز از توبه را پشت سر گذاشته بودند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته گردآوری شد و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار NVivo صورت گرفت. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. یافته‌های پژوهش در سه مقوله اصلی طبقه‌بندی شدند: ۱) بیداری معرفتی در نقطه توبه، شامل مؤلفه‌هایی چون درک بحران معنایی، خودآگاهی اخلاقی، و بازاندیشی در ارزش‌ها؛ ۲) بازسازی هویت اخلاقی، شامل ندامت سازنده، آشتی با گذشته، و شکل‌گیری روایت اخلاقی جدید؛ و ۳) تعامل معرفتی با منابع اخلاقی، شامل بهره‌گیری از متون دینی، گفت‌وگوهای اخلاقی، و مواجهه با الگوهای دینی. این مضامین نشان‌دهنده نقشی بنیادین برای عناصر شناختی و تأمل‌محور در فرآیند بازسازی اخلاقی پس از توبه است. تجربه توبه، نه صرفاً یک بازگشت احساسی، بلکه فرآیندی معرفتی، عقلانی و معنوی است که از طریق بازاندیشی اخلاقی، تعامل فعال با منابع دینی، و بازسازی شناختی هویت، به تحول اخلاقی منجر می‌شود. یافته‌ها می‌توانند به طراحی مداخلات معنوی و روان‌شناختی مبتنی بر دین در حوزه بازسازی اخلاقی کمک نمایند.

کلیدواژه‌گان: توبه، بازسازی اخلاقی، عناصر معرفتی، تحلیل محتوای کیفی، هویت اخلاقی، منابع دینی

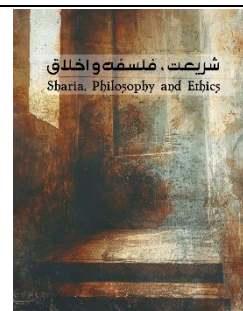
شیوه استناددهی: کرمی، لیلا، و صدیقی‌نیا، مجتبی. (۱۴۰۳). شناسایی عناصر معرفتی مؤثر بر بازسازی اخلاقی در تجربه توبه با رویکرد تحلیل محتوایی. *شریعت، فلسفه و اخلاق*، ۲(۴)، ۹-۱.

تاریخ ارسال: ۲۰ آبان ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۹ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۳۰ آذر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۳ دی ۱۴۰۳



© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

Identifying Epistemic Elements Influencing Moral Reconstruction in the Experience of Repentance: A Content Analysis Approach

1. Leila Karami*: Department of Family Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

2. Mojtaba Sedighinia: Department of Islamic Political Philosophy, Imam Sadiq University, Tehran, Iran

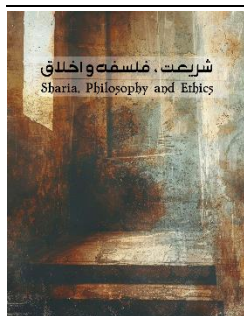
*Corresponding Author's Email: l.karami89@gmail.com

Abstract

The aim of this study is to identify the epistemic elements influencing moral reconstruction in the experience of repentance using a content analysis approach. This research employed a qualitative method with a conventional content analysis approach. Twenty-four adult participants from Tehran, all of whom had undergone profound and reflective experiences of repentance, were purposefully selected. Data were collected through semi-structured interviews and analyzed using NVivo software. Sampling continued until theoretical saturation was achieved. The data were categorized into three main themes: (1) Epistemic awakening at the point of repentance, including components such as existential crisis awareness, moral self-reflection, and reevaluation of values; (2) Moral identity reconstruction, encompassing constructive remorse, reconciliation with the past, and the formation of a new moral narrative; and (3) Epistemic engagement with ethical resources, involving the use of religious texts, ethical dialogues, and encounters with moral role models. These themes highlight the central role of reflective and cognitive elements in the moral transformation process following repentance. Repentance is not merely an emotional return, but rather a rational, epistemic, and spiritual process through which individuals reconstruct their moral identity by reflecting on ethical values, interacting with religious resources, and cognitively reconfiguring their sense of self. The findings offer valuable insights for the development of faith-based moral rehabilitation and spiritual counseling interventions.

Keywords: *Repentance, Moral Reconstruction, Epistemic Elements, Qualitative Content Analysis, Moral Identity, Religious Resources*

How to cite: Karami, L., & Sedighinia, M. (2024). Identifying Epistemic Elements Influencing Moral Reconstruction in the Experience of Repentance: A Content Analysis Approach. *Sharia, Philosophy and Ethics*, 2(4), 1-9.



Submit Date: 23 October 2024

Revise Date: 29 November 2024

Accept Date: 20 December 2024

Publish Date: 3 January 2025



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

تجربه توبه، یکی از عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین پدیده‌های روان‌شناختی و اخلاقی در حیات انسانی است که هم‌زمان ابعاد عاطفی، شناختی، معنوی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. توبه نه تنها یک بازگشت صرف به سوی «خوبی» نیست، بلکه فرآیندی پیچیده از بازسازی هویت اخلاقی است که از طریق بیداری معرفتی، درک بحران اخلاقی و بازتعریف نظام ارزشی شکل می‌گیرد (Worthington, 2006). در ادبیات دینی، به‌ویژه در سنت اسلامی، توبه به‌عنوان «بازگشت آگاهانه و خالصانه به سوی خدا» تعریف می‌شود و در سطوح مختلف فردی و جمعی، نقش مهمی در ارتقاء اخلاقیات و خودسازی معنوی ایفا می‌کند (Nasr, 2006).

با وجود آنکه پژوهش‌های متعددی به بررسی ابعاد روان‌شناختی توبه پرداخته‌اند، عنصر معرفتی و نقش شناختی در این فرآیند کمتر مورد تحلیل عمیق قرار گرفته است. در حالی که بسیاری از مراجع دینی و متون عرفانی بر ضرورت «یقظه» یا بیداری معرفتی به‌عنوان پیش‌زمینه توبه تأکید دارند (Chittick, 1989)، در سطح پژوهش تجربی، توجه کمتری به نقش آگاهی، شناخت پیامدهای گناه، و بازاندیشی معرفتی در ساختاردهی مجدد هویت اخلاقی شده است.

از سوی دیگر، مفهوم توبه در ادبیات فلسفه اخلاق نیز جایگاه مهمی دارد. بر اساس دیدگاه کانتی، توبه نتیجه پذیرش مسئولیت اخلاقی و تلاش برای بازسازی اراده اخلاقی است (Allison, 1990). در سنت‌های مسیحی نیز، توبه با عناصری همچون ندامت، اعتراف، و بازسازی رابطه اخلاقی با خود و دیگران همراه است (Ricoeur, 1995). با این حال، در سنت اسلامی، توبه فرآیندی چندبُعدی و مبتنی بر تعامل مستمر بین معرفت، ایمان و عمل تلقی می‌شود که می‌تواند به بازسازی ریشه‌ای درونی انسان بینجامد (Murata & Chittick, 1994).

در سال‌های اخیر، برخی از مطالعات روان‌شناسی مثبت‌گرا کوشیده‌اند به تحلیل تجربه توبه با تمرکز بر تحول شخصیت، بازسازی معنا، و بازگشت به ارزش‌های بنیادین بپردازند. برای مثال، Enright و Fitzgibbons (۲۰۰۰) نشان داده‌اند که بخشش از خود و بازسازی اخلاقی پس از گناه، می‌تواند منجر به کاهش اضطراب، ارتقاء عزت نفس و افزایش سلامت روانی شود. همچنین پژوهش‌های دیگر، تجربه توبه را فرآیندی مبتنی بر اصلاح ساختارهای شناختی و بازتعریف خود اخلاقی در نظر گرفته‌اند (Tangney et al., 2007). این بازتعریف معمولاً در بستر گفت‌وگوی درونی، روایت‌سازی از تجربه، و تعامل با منابع معرفتی و معنوی صورت می‌گیرد.

از نظر جامعه‌شناختی، توبه نه تنها یک تجربه شخصی است بلکه در ارتباط با بافت فرهنگی و اجتماعی نیز معنا می‌یابد. در جوامع دینی، تجربه توبه غالباً با مشارکت در شعائر، حضور در مجامع معنوی، و بازگشت به ارزش‌های دینی همراه است (Snow & Machalek, 1984). این بُعد اجتماعی، اغلب در کنار بُعد معرفتی عمل می‌کند؛ به گونه‌ای که فرد از طریق مواجهه با منابع دینی، گفت‌وگو با واسطه‌های اخلاقی (چون عالمان دینی یا دوستان معنوی) و مطالعه متون مقدس به بازسازی درونی خود می‌پردازد (Nasr, 2006).

با این حال، یکی از خلأهای پژوهشی موجود، نبود بررسی‌های عمیق کیفی در خصوص چگونگی شکل‌گیری این بیداری معرفتی و تأثیر آن بر بازسازی هویت اخلاقی در تجربه توبه است. بیشتر مطالعات پیشین، یا به تحلیل روان‌شناختی توبه پرداخته‌اند یا از منظر دینی و فقهی به مسئله ورود کرده‌اند، بی‌آنکه عناصر شناختی و معرفتی را به‌عنوان مؤلفه‌های بنیادین بازسازی اخلاقی تحلیل کنند (Tangney, 1996). پژوهش حاضر بر آن است تا با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، به شناسایی عناصر معرفتی تأثیرگذار بر بازسازی اخلاقی در تجربه توبه بپردازد. این پژوهش بر پایه مصاحبه با افرادی که تجربه عمیق و معناداری از توبه داشته‌اند، طراحی شده و تلاش می‌کند از دل روایت‌های زیسته آنان، مضامین شناختی و معرفتی‌ای را استخراج کند که بستر تکوین تحول اخلاقی و بازسازی هویت اخلاقی آنان را فراهم ساخته‌اند.

اهمیت این پژوهش در آن است که می‌تواند تصویری عمیق‌تر و چندبعدی از فرآیند توبه به دست دهد؛ تصویری که نه تنها بر احساسات و عواطف فردی تمرکز دارد، بلکه شناخت، عقلانیت، و تعامل با منابع معرفتی را نیز در مرکز تحلیل قرار می‌دهد. افزون بر این، نتایج این پژوهش می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های اخلاقی، مشاوره معنوی، و حتی طراحی مداخلات روان‌درمانی با رویکردهای دینی مورد استفاده قرار گیرد.

پرسش اصلی پژوهش این است که «عناصر معرفتی مؤثر بر بازسازی اخلاقی در تجربه توبه کدام‌اند؟» و چگونه این عناصر از دل تجربه زیسته افراد شکل می‌گیرند؟ برای پاسخ به این سؤال، از روش کیفی تحلیل محتوایی استفاده شده که امکان استخراج مضامین پنهان و چندلایه را در داده‌های روایی فراهم می‌سازد (Elo & Kyngäs, 2008). مشارکت‌کنندگان این پژوهش ۲۴ نفر از افراد ساکن تهران بودند که به‌صورت هدفمند و تا مرحله اشباع نظری انتخاب شدند.

پژوهش حاضر با تمرکز بر سه مقوله اصلی شامل «بیداری معرفتی در نقطه توبه»، «بازسازی هویت اخلاقی» و «تعامل معرفتی با منابع اخلاقی» تلاش می‌کند تصویری درونی از فرآیند توبه ارائه دهد که در آن عنصر شناخت، نه تنها آغازگر تحول بلکه تداوم‌دهنده مسیر بازسازی اخلاقی نیز هست. به بیان دیگر، توبه به‌مثابه یک فرآیند اخلاقی پیچیده، از دل آگاهی، شناخت و تعامل فعال با معنا زاده می‌شود.

از این منظر، توجه به ابعاد معرفتی در تجربه توبه، نه تنها به فهم عمیق‌تر این پدیده دینی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند مبنایی برای بازاندیشی در فرآیندهای اخلاقی، تربیتی و روان‌درمانی مبتنی بر دین در جوامع معاصر فراهم آورد. همچنین این یافته‌ها می‌تواند به نظریه‌پردازی جدید در باب تعامل عقل، احساس و معنویت در فرآیندهای بازسازی اخلاقی یاری رساند؛ مسیری که هم در روان‌شناسی دین و هم در فلسفه اخلاق نیازمند پژوهش‌های بینارشته‌ای عمیق‌تری است.

روش‌شناسی

در این پژوهش از روش کیفی با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی بهره‌گیری شده است. هدف از این روش، شناسایی و تحلیل عناصر معرفتی تأثیرگذار بر بازسازی اخلاقی در تجربه توبه افراد است.

جامعه پژوهش شامل افراد بزرگسالی بود که تجربه‌ای عمیق و شخصی از توبه داشته‌اند. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند و با در نظر گرفتن معیار اشباع نظری انجام شد. در مجموع، تعداد ۲۴ نفر از شرکت‌کنندگان که همگی ساکن شهر تهران بودند و تجربه معناداری از توبه و بازسازی اخلاقی داشتند، در پژوهش شرکت کردند.

ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته بود. سوالات مصاحبه با هدف کشف عناصر معرفتی و ابعاد اخلاقی در فرآیند توبه طراحی شد و در حین مصاحبه‌ها بر حسب نیاز، پرسش‌های اکتشافی بیشتری نیز مطرح شد. تمامی مصاحبه‌ها با رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان ضبط و سپس به‌صورت کلمه‌به‌کلمه پیاده‌سازی شدند.

تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار NVivo انجام شد. فرآیند تحلیل به شیوه تحلیل محتوای قراردادی شامل کدگذاری باز، شناسایی طبقات مفهومی، و استخراج مقولات اصلی صورت گرفت. این تحلیل تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ بدین معنا که پس از مصاحبه بیست‌و‌چهارم، داده‌های جدیدی به چارچوب مفهومی پژوهش افزوده نشد. به‌منظور افزایش اعتبار پژوهش، از راهبردهایی همچون بازبینی توسط همکار (peer check)، بررسی مجدد کدها توسط پژوهشگران و مشارکت‌کنندگان منتخب، و نگاه‌داشتن مسیر حسابرسی پژوهش استفاده شد.

یافته‌ها

مقوله اول: بیداری معرفتی در نقطه توبه

درک بحران معنایی:

بسیاری از مشارکت کنندگان از لحظه‌ای سخن گفتند که دچار بحران عمیق معنایی شده‌اند؛ لحظه‌ای که احساس کردند زندگی‌شان فاقد معناست. یکی از مشارکت کنندگان اظهار داشت: «یه‌جوری شده بودم که انگار توی تاریکی مطلق افتاده بودم... هیچ چیز برام دلیل نداشت». این مرحله اغلب با احساس پوچی، سردرگمی و بی‌هدفی همراه بود و نقطه آغاز تردید در مسیر قبلی زندگی محسوب می‌شد.

خودآگاهی اخلاقی:

افراد به تدریج به اشتباهات اخلاقی خود آگاه شدند. این آگاهی نه صرفاً شناخت رفتاری، بلکه درکی درونی از فاصله خود واقعی و خود آرمانی بود. یک مصاحبه‌شونده بیان کرد: «وقتی به خودم نگاه کردم، دیدم چقدر از چیزی که می‌خواستم باشم فاصله گرفتم... پر از دروغ و بی‌مسئولیتی». احساس شرم، پشیمانی و تردید در درستی عملکرد گذشته در این مرحله پررنگ بود.

فهم پیامدهای اخلاقی گناه:

شرکت کنندگان به این درک رسیدند که گناه نه تنها بر خود، بلکه بر دیگران نیز اثر منفی گذاشته است. یکی از آن‌ها گفت: «وقتی فهمیدم کارم باعث شد مادرم چند شب گریه کنه، تازه درد گناه رو حس کردم». این فهم، عامل مهمی در جهت‌دهی به توبه شد.

شناخت ابعاد الهی توبه:

بسیاری از مشارکت کنندگان پس از تجربه بحران، به سوی منابع دینی و الهی رجوع کردند. «وقتی آیه 'قل یا عباد الذین اسرفوا' رو خوندم، حس کردم درم باز شده»؛ این جمله نشان‌دهنده درک امیدبخش از رحمت الهی بود که موجب بازسازی روحی آنان شد.

درک نقش عقلانیت در بازگشت:

برخی افراد فرآیند توبه را صرفاً احساسی ندانسته و بر تحلیل عقلانی تصمیم خود تأکید داشتند. یکی از شرکت کنندگان اشاره کرد: «با خودم نشستم و سبک سنگین کردم، دیدم ادامه این مسیر فقط منو به پرتگاه می‌بره». این نگاه عقلانی نقش مهمی در تصمیم آگاهانه به بازگشت ایفا کرد.

بازاندیشی در نظام ارزش‌ها:

در این مرحله، افراد به بازنگری عمیق در نظام ارزش‌هایشان پرداختند. برخی از آن‌ها اذعان داشتند که معیارهای خوب و بد برایشان تغییر کرده است. «قبلاً موفقیت برام فقط پول و موقعیت بود، ولی الان آرامش وجدان شده اولویت»؛ این تحول نشان‌دهنده دگرگونی معرفتی در سطح بنیادی است.

مقوله دوم: بازسازی هویت اخلاقی

ندامت سازنده:

احساس ندامت در مشارکت کنندگان همراه با مسئولیت‌پذیری و میل به جبران بود. «از ته دل پشیمون بودم، نه برای اینکه رسوا شدم، بلکه چون خودم رو شکسته دیدم». این نوع ندامت، آغازگر فرآیند بازسازی اخلاقی تلقی می‌شود.

تعهد به بازسازی خود:

افراد تصمیم گرفتند مسیر تازه‌ای در زندگی در پیش گیرند. «یه دفتر برداشتم و اهداف اخلاقی برای خودم نوشتم... مثلاً راست‌گویی، کنترل خشم». این تعهد در سطح عمل و برنامه‌ریزی قابل مشاهده بود.

تجدید معنای زندگی:

پس از توبه، بسیاری از مشارکت‌کنندگان نگاه تازه‌ای به زندگی پیدا کردند. «زندگی برام یه سیر معنوی شد، نه فقط روزمرگی». این معنا بخشی از بازسازی هویت و ارزش‌گذاری مجدد به تجربه زیسته بود. آشتی با گذشته:

مشارکت‌کنندگان به مرور گذشته خود را نه به‌عنوان شکست، بلکه به‌عنوان درس تعبیر کردند. «گناه‌ها شد معلم... اگه اون اشتباهو نمی‌کردم، شاید هیچ‌وقت بیدار نمی‌شدم». این آشتی نقش درمانی و معنابخش داشت.

شکل‌گیری روایت اخلاقی جدید:

یکی از ابعاد مهم بازسازی هویت، روایت‌سازی جدیدی بود که مشارکت‌کنندگان از خود ارائه می‌دادند. «الان اگه کسی ازم پرسه کی هستی، می‌گم کسی که از تاریکی برگشته و دنبال روشناییه». این روایت‌ها هویت اخلاقی بازسازی‌شده را تثبیت می‌کردند.

مقوله سوم: تعامل معرفتی با منابع اخلاقی

بهره‌گیری از متون دینی:

مطالعه قرآن و احادیث به‌عنوان منبع معرفتی برجسته در تجربه توبه مطرح شد. «وقتی آیات توبه رو خوندم، انگار کسی دستمو گرفت». این منابع موجب قوت قلب و جهت‌دهی فکری افراد شده‌اند.

تأثیر واسطه‌های دینی:

نقش واسطه‌هایی چون روحانیون، منبر و هیئت‌ها در تحریک وجدان اخلاقی مشارکت‌کنندگان آشکار بود. «یه سخنرانی توی ماه محرم شنیدم که تا مغز استخونم اثر کرد و از همون شب تصمیم گرفتم برگردم».

گفت‌وگوهای اخلاقی:

برخی مشارکت‌کنندگان گفت‌وگو با افراد مورد اعتماد را عاملی برای روشن‌تر شدن مسیر توبه دانستند. «وقتی با دوستم حرف زدم و اون گفت تو هنوزم می‌تونی خوب باشی، انگار یه چراغ روشن شد».

مواجهه با الگوهای اخلاقی:

الگوهای چون پیامبران، شهدا و بزرگان دینی برای مشارکت‌کنندگان الهام‌بخش بودند. «زندگی حر بن یزید ریاحی همیشه جلوی چشمم بود؛ کسی که آخر راه برگشت».

بازاندیشی معرفتی در عمل:

در نهایت، مشارکت‌کنندگان تلاش کردند بین دانسته‌های اخلاقی و عمل روزمره پیوند برقرار کنند. «الان هر شب اعمالم رو بررسی می‌کنم که کجا خطا کردم، کجا درست رفتار کردم؛ یه جور خودم محاسبه‌گری روزانه شده برام».

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که تجربه توبه یک فرآیند صرفاً احساسی یا اعتقادی نیست، بلکه واجد ساختاری معرفتی و شناختی پیچیده است که از سه مقوله اصلی «بیداری معرفتی در نقطه توبه»، «بازسازی هویت اخلاقی» و «تعامل معرفتی با منابع اخلاقی» تشکیل می‌شود. هر یک از این مقولات حاوی مضامین عمیق و مرتبط با تحول درونی انسان هستند که در تعامل با تجارب زیسته، منابع دینی و بازاندیشی شخصی شکل می‌گیرند.

نخستین یافته کلیدی، نقش «بیداری معرفتی» در آغاز توبه بود. مشارکت کنندگان از لحظه‌ای سخن گفتند که با بحران معنا، گسست در هویت و آگاهی از پیامدهای اخلاقی گناه مواجه شدند. این یافته با آنچه در نظریه بیداری اخلاقی (moral awakening) مطرح شده همخوان است؛ جایی که فرد در مواجهه با تناقض میان ارزش‌های خود و رفتارهایش، به سطحی از آگاهی می‌رسد که می‌تواند تغییر را آغاز کند (Tangney et al., 2007). این تجربه مشابه با «یقظه» در ادبیات عرفانی اسلامی است که نخستین گام در مسیر سلوک معنوی محسوب می‌شود (Chittick, 1989). افزون بر این، نقش عقلانیت و بازاندیشی معرفتی در فرآیند توبه با نظریه بازسازی شناختی سازگار است که تأکید دارد بر اینکه انسان‌ها با بازسازی باورهایشان می‌توانند ساختار اخلاقی جدیدی برای خود تعریف کنند (Enright & Fitzgibbons, 2000).

دومین مقوله، «بازسازی هویت اخلاقی» بود که در قالب ندامت سازنده، تعهد به اصلاح، بازتعریف معنای زندگی، آشتی با گذشته و شکل‌گیری روایت اخلاقی جدید بازتاب یافت. این عناصر با یافته‌های Ricoeur (۱۹۹۵) هماهنگ است که بر نقش روایت‌سازی در بازسازی هویت اخلاقی تأکید می‌کند؛ به‌ویژه هنگامی که انسان تلاش می‌کند گذشته‌اش را در پرتو ارزش‌های جدید باز معنا کند. همچنین، پژوهش Machalek و Snow (۱۹۸۴) نشان می‌دهد که تجربه توبه غالباً با تحول در روایت خود و بازسازی درک فرد از هویت همراه است. مشارکت کنندگان این پژوهش نیز نشان دادند که چگونه با روایت‌سازی مجدد، از خود گناه‌کار به انسانی در حال اصلاح و رشد معنوی تبدیل می‌شوند.

سومین مقوله، «تعامل معرفتی با منابع اخلاقی» بود. شرکت کنندگان نقش مهمی برای متون دینی، عالمان، الگوهای اخلاقی و حتی گفت‌وگوهای غیررسمی با دوستان معنوی قائل بودند. این یافته نشان می‌دهد که بازسازی اخلاقی، در خلأ رخ نمی‌دهد بلکه در بستر اجتماعی، فرهنگی و معرفتی شکل می‌گیرد. Nasr (۲۰۰۶) در این زمینه معتقد است که منابع وحیانی و سنت‌های دینی، نه تنها ابزاری برای هدایت، بلکه ابزارهایی برای بازسازی معنوی و شناختی انسان هستند. همچنین، مطالعه Tangney (۱۹۹۶) نشان داده است که مواجهه با منابع اخلاقی و مذهبی می‌تواند حس گناه را به ندامت اخلاقی و سپس به تغییر رفتاری مثبت هدایت کند.

نکته قابل توجه آن است که تعامل معرفتی در این پژوهش، نه تنها در قالب دریافت منفعلانه اطلاعات دینی بلکه به شکل بازاندیشی انتقادی و درونی‌سازی معنا دار ظاهر شد. این فرایند، شبیه به آن چیزی است که در ادبیات یادگیری تحول‌آفرین (transformative learning) مطرح می‌شود؛ جایی که فرد از طریق تأمل انتقادی بر باورهای قبلی خود، به بازسازی شناختی و ارزشی دست می‌یابد (Mezirow, 1991). مشارکت کنندگان ما نیز در تعامل فعال با آیات قرآن، احادیث، یا حتی سخنان یک دوست یا واعظ دینی، دست به بازسازی معرفتی زده‌اند. از مجموع تحلیل‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که توبه از منظر معرفتی، به مثابه فرآیندی خودبازاندیشی و خوداصلاح‌گر عمل می‌کند. بازگشت به ارزش‌ها، فهم پیامدهای اخلاقی رفتار، تلاش برای تطبیق ارزش‌ها و اعمال، و بازتعریف هویت اخلاقی در پرتو منابع معنوی، همگی نشان از سازوکارهای پیچیده و درهم‌تنیده شناختی، معنوی و روان‌شناختی دارند.

در نهایت، این پژوهش نشان داد که برخلاف تصور رایج، توبه صرفاً واکنشی احساسی به احساس گناه یا ترس از مجازات نیست؛ بلکه تلاشی نظام‌مند برای بازسازی بنیان‌های اخلاقی، ارزشی و شناختی زندگی فردی است. این تحلیل با رویکردهای نوین روان‌شناسی مثبت‌گرا نیز همسو است که بر نقش معنا، آگاهی و رشد در تحول اخلاقی تأکید می‌ورزند (Worthington, 2006). بدین ترتیب، پژوهش حاضر گامی در جهت درک عمیق‌تر ابعاد معرفتی تجربه توبه در بافت اسلامی و ایرانی فراهم می‌سازد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

References

- Allison, H. E. (1990). Kant's Theory of Freedom. Cambridge University Press.
- Chittick, W. C. (1989). The Sufi Path of Knowledge: Ibn al-Arabi's Metaphysics of Imagination. SUNY Press.
- Elo, S., & Kyngäs, H. (2008). The qualitative content analysis process. *Journal of Advanced Nursing*, 62(1), 107–115.
- Enright, R. D., & Fitzgibbons, R. P. (2000). Helping clients forgive: An empirical guide for resolving anger and restoring hope. American Psychological Association.
- Murata, S., & Chittick, W. C. (1994). The Vision of Islam. Paragon House.
- Nasr, S. H. (2006). The Heart of Islam: Enduring Values for Humanity. HarperOne.
- Ricoeur, P. (1995). Oneself as Another. University of Chicago Press.
- Snow, D. A., & Machalek, R. (1984). The sociology of conversion. *Annual Review of Sociology*, 10, 133–158.
- Tangney, J. P. (1996). Conceptual and methodological issues in the assessment of shame and guilt. *Behavior Research and Therapy*, 34(9), 741–754.
- Tangney, J. P., Stuewig, J., & Mashek, D. J. (2007). Moral emotions and moral behavior. *Annual Review of Psychology*, 58, 345–372.
- Worthington, E. L. (2006). Forgiveness and Reconciliation: Theory and Application. Routledge.